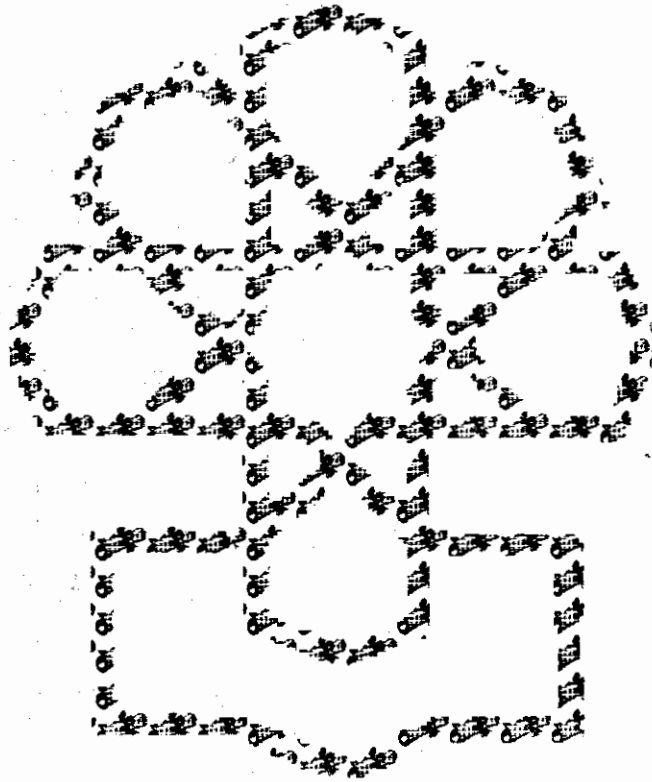


درباره حوزه و دانشگاه (۲)
تحليل نظام آموزشی و پژوهشی حوزه



معاونت پژوهشی
بهمن ماه ۱۳۷۴

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

این مطالعه به تقاضای جناب آقای مهندس یحوی
عضو محترم هیأت رئیسه انجام پذیرفته است.

کد گزارش: ۳۲۰۱۱۳۰

تحلیل نظام آموزشی و پژوهشی حوزه

کد گزارش: ۳۲۰۱۱۳۰

فهرست مندرجات

فصل اول - پیدایش و گسترش مدارس علمی در جهان اسلام

۱-۱- مراکز علمی ایران پیش از اسلام

۱-۲- جوشش علمی مسلمین

۱-۳- شکل‌گیری مدارس و حوزه‌های علمیه

فصل دوم - پیدایش مدارس جدید و دانشگاه‌های ایران

۲-۱- اعزام محصل به خارج

۲-۲- تأسیس مدارس جدید در ایران

فصل سوم - بررسی وضعیت آموزش و پژوهشی حوزه‌های علمیه

۳-۱- جذب و گزینش

۳-۲- فضای آموزشی و وسایل کمک آموزشی

۳-۳- آموزش و تدریس

الف: محور آموزش

ب: تدریس و طرح درس

ج: تبادل نظر و بررسی آرا

د: هدفداری و عمق

ه: طولانی بودن دوره آموزش

و: پویایی

۳-۴- حوزه‌های آموزش

۳-۵- منابع و متون

۳-۶- خروجی حوزه

۳-۷- پژوهش

۱-۱- مراکز علمی ایران پیش از اسلام:

«ایران قبل از اسلام از خود دارای تمدنی درخشان و با سابقه بوده و این تمدن سابقه طولانی داشته است...»^(۱) در زمان امپراطوری ساسانیان، با راه یافتن علوم و فلسفه هندی، مصری، سریانی و یونانی به محدوده حکومت ایران، مراکز آموزشی از جمله نیشابور، تیسفون، سالونیکا و به ویژه جندی شاپور تشکیل و گسترش یافت. آکادمی جندی شاپور در عهد انوشیروان به اوج پیشرفت خود رسید و دانشمندان، دانشهای مختلف را به منظور مقایسه و انطباق گردآوری کردند. جندی شاپور به سبب تأسیس مراکز تحقیقاتی در فلسفه، علوم پزشکی، ریاضیات و نجوم همچون مخزنی از علوم درخشش داشت و پس از فتح ایران توسط مسلمانان دست نخورده باقی ماند و به شکوفایی علوم دنیای اسلام کمک شایانی نمود.

۱-۲- جوشش علمی مسلمین:

«اولین کتابی که اندیشه مسلمین را به خود جلب کرد و مسلمین در پی درس و تحصیل آن بودند قرآن و پس از قرآن احادیث بود. این بود که اولین حوزه علمی در مدینه تأسیس شد... بنا به توصیه های مکرر رسول خدا، سخنان آن حضرت را که به سنت رسول معروف بود از یکدیگر فرامی گرفتند. در مسجد پیغمبر رسماً حلقه های درس تشکیل می شد و در آن حلقه به بحث و گفتگو درباره مسایل اسلامی و تعلیم و تربیت پرداخته می شد. روزی رسول خدا وارد مسجد شد و دید دو حلقه در مسجد تشکیل شده است، در یکی از آنها افراد به ذکر و عبادت مشغولند در یکی دیگر به تعلیم و تعلم. پس از آنکه هر دو را از نظر گذراند فرمود: «کلاهما علی خیر و لکن بالتعلیم ارسلت» یعنی هر دو جمعیت کار نیک می کنند اما من برای تعلیم فرستاده شده ام. رسول خدا آنگاه رفت و در حلقه ای که آنجا تعلیم و تعلم بود نشست».

اولین کتاب حدیث به خط علی (ع) نوشته شد. دومین کتاب مصحف حضرت فاطمه (س) است. کتاب دیگر اهلیت صحیفه سجاده است. نیمه اول قرن دوم، دوران شکوفایی علوم آل محمد (ص) است که با آزادی نسبی ایجاد شده برای شیعه حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام به گسترش علوم پرداختند، به طوری که نام چهار هزار نفر به عنوان شاگردان امام صادق برده می شود. اصحاب امام صادق و امام کاظم (ع) که از ملیتهای مختلف بودند چهار صد کتاب حدیث تألیف کرده اند.

به علت منع کتابت حدیث که توسط عمر ایجاد شد و تا زمان عمر بن عبدالعزیز ادامه یافت، اهل سنت یک قرن در تدوین حدیث از شیعه عقب افتاد.

ابتدا مساجد مکان اصلی آموزش بود، در مراحل بعدی در کنار مسجد، مدرسه ساخته می شد. در سازمان آموزش اسلامی، آموزش دانشگاهی و پس از آن، در بیت الحکمه ها، کتابفروشیها (به عنوان مراکز پژوهشی)، محافل ادبی (به عنوان مراکز بحث و تبادل نظر) و کتابخانه ها (به عنوان مراکز پژوهشی) انجام می گرفت.

با توجه به سفار شهای قرآن و معصومین به فراگیری علم، شوق بسیاری در مسلمانان اولیه برای کسب علوم وجود داشت، و با در نظر گرفتن احادیثی که: حکمت را گمشده مؤمن می داند چنانکه

۱- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، چاپ دوازدهم، ص ۳۷۵.

پیغمبر اکرم (ص) می فرماید: کلمة الحکمة ضالة المؤمن فحيث وجدها فهو الحق بها (دانش راستین گمشده مؤمن است پس هر جا آن را بیابد خودش به آن سزاوارتر است) و همچنین دستور به فراگیری حکمت حتی از شرک و منافق، روح تساهل در مسلمین از نظر فراگیری علوم دیگران دمیده می شود.

علی (ع) می فرماید: «الحکمة ضالة المؤمن، فخذ الحکمة ولو من اهل النفاق»^(۱).

این امر از علل پیشرفت سریع علمی مسلمانان بوده است که پس از شروع حرکت علمی از سوی پیغمبر و ائمه اطهار علیهم السلام، برگزیده فرهنگهای کهن را جذب و اصلاح نموده و در فرهنگ خود مستحیل کردند. فلسفه، ریاضیات و علوم پزشکی یونان، ادبیات، ریاضیات و علوم پزشکی هند، علوم ایرانی و سریانی از جمله علوم ترجمه شده به زبان دنیای اسلام یعنی عربی است.

دانشمندان کشورهای اسلامی در اعتلای این فرهنگ گامهای بلندی برداشتند. در این میان نقش دانشمندان ایرانی چشمگیر است به طوری که ادوارد براون معتقد است:

«اگر آثار ایرانیان را از آنچه که عموماً علوم عربی نامیده می شود حذف کنید، آنگاه بهترین قسمت آن از بین رفته است»^(۲).

نکته قابل توجه این است که در جهان اسلام علوم تجربی و علوم دینی در کنار هم تدریس می شد. به طوری که مواد آموزشی عبارت بود از: ریاضیات، علوم، پزشکی، ادبیات، علوم اجتماعی، فلسفه، فقه و الهیات. به این ترتیب در عصر اولیه حاکمیت اسلام مدرسه دین و مدرسه علم یکی بود.

۳-۱- شکل گیری مدارس و حوزه های علمیه:

مساجد مراکز اولیه آموزش علوم اسلامی بوده است. در قرن چهارم هجری مدارس علمیه ایجاد گردید که در آن علوم دینی تدریس می شد. به این ترتیب بخشی از ثقل علوم اسلامی از مسجد به مدرسه انتقال یافت. خصوصیات مسجد و نظام آموزشی آن از جمله، معمای مساجد، آموزش رایگان، مسکن و کمک هزینه از موقوفات مسجد به مدرسه نیز منتقل شد. اولین مدارس در بخش شرقی کشور اسلامی (آسیای میانه و خراسان) ساخته شد و به تدریج به غرب جهان اسلام رسید.^(۳)

الازهر، دارالعلم و دارالحکمه قاهره، بیت الحکمه بغداد و بیهقیه نیشابور از نهادهای آموزش شبیه به دانشگاه بود. در نیمه قرن پنجم هجری، خواجه نظام الملک وزیر سلاطین سلجوقی، مدارس نظامیه را به عنوان مدرسه دولتی برای ترویج اصول عقاید اهل سنت و آموزش علوم سیاسی به روش فارابی به صورت جدا از تعلیمات تخصصی به وجود آورد.

این مدارس به خاطر اهداف سیاسی و مذهبی گسترش زیادی پیدا کرد. مشهورترین این مدارس که به دانشگاه نظامیه معروف است تحت نظارت شخصی نظام الملک در بغداد بنا شد. مخارج این نظامیه ها توسط وی تأمین می شد.

چون خواجه نظام الملک شافعی مذهب متعصبی بود و مرام اشعری را برگزیده بود تنها مذهب شافعی و حنفی را پاک و درست می دانست که این امر در تشکیل مدارس فرقه ای و محتوای دروس آنها تأثیر فراوان گذاشت. رفته رفته تدریس علوم عقلی، فلسفی و تجربی در این مدارس ممنوع شد و تنها علوم دینی

۱- نهج البلاغه، به قلم انصاری، حکمت ۷۹.

۲- براون، ادوارد، تاریخ ادبیات ایران.

۳- بطروشفسکی، ترجمه کریم کشاورز، اسلام در ایران، ص ۱۰۰.

و ادبی و کلام و نظایر آن که در مقابله با سایر مذاهب و فرقه‌ها به کار می‌رفت مورد توجه قرار گرفت. جریان یکسونگری و تعصبات کور فرقه‌ای از جمله عوامل انحطاط حوزه‌های علمی مسلمانان است.

منع بحث و مناظره در دربار خلفا نیز از زمان متوکل عباسی شروع شد. او تنها تقلید را جایز می‌شمرد و به این ترتیب دربار خلفا مرکزیت تجمع اندیشمندان و دانشمندان علوم مختلف را از دست داد. با ظهور اشعری، اهل سنت ضربه سهمگینی به تمدن و علوم اسلامی وارد آوردند. آنان تفکر در اصول دین، احکام، احادیث و آیات و استفاده از عقل در تشخیص را امری اضافی و نزدیک به کفر شمردند. به این دلیل به تدریج توجه از علوم عقلی و تجربی منحرف شد و دانشمندان این دسته از علوم ارزش و موقعیت خود را از دست دادند.

اختلافات فرقه‌ای شدت یافت و به مدارس علمی رسید. به طوری که در فتنه‌های مذهبی، مدارس جز اولین مراکزی بود که به دست مخالفان تخریب می‌شد.

و بالاخره حمله مغول و تاتار بلای خانمانسوزی بود که ضمن وارد ساختن ضربه‌ای سنگین در تخریب فرهنگ کشورهای اسلامی و به خصوص ایران، طومار علم در این سرزمین را در هم پیچید. «پس از حمله مغول هشتاد سال طول کشید تا دوباره مدارس برپا شود»^(۱).

فصل ۲- پیدایش مدارس جدید و دانشگاهها در ایران

۲-۱- اعزام محصل به خارج

جنگهای ایران و روسیه این حقیقت تلخ را آشکار ساخت که ایران از قافله علم و تمدن جهان عقب افتاده است. عباس میرزا و وزیر او قائم مقام اول به این فکر افتادند که برای دستیابی به علم و تکنیک اروپا، افرادی را به غرب اعزام نمایند.

لذا با ژنرال گاردان، فرستاده ناپلئون قرار گذاشتند که: «علاوه بر مساعدتهای مالی و نظامی فرانسه به ایران، هر ساله عده‌ای از جوانان ایرانی را نیز برای تحصیل به پاریس اعزام کنند»^(۱).

برای جلوگیری از نفوذ فرانسه در ایران، سرجان ملکم انگلیسی راهی ایران شد. او با هدایا و پیشکشی فراوان دل‌شاه و درباریان را به دست آورد و بالاخره سرهارد فورد جونز در سال ۱۱۸۸ شمسی به ایران آمد و مقدمات اخراج ژنرال گاردان را فراهم ساخت. وقتی جونز مطلع شد که اعزام محصل به خارج جزء برنامه‌های گاردان بوده است با عباس میرزا به گفتگو نشست. عباس میرزا دو نفر از فرزندان اعیان آذربایجان با نامهای: محمدکاظم پسر نقاشباشی خود و میرزا حاجی بابای افشار پسر یکی از صاحب منصبان را برای تحصیل نقاشی و طب به انگلیس فرستاد.^(۲)

دومین دسته از دانشجویان اعزامی به خارج ۵ نفر بودند که عباس میرزا به منظور تقویت قشون، به همراه کلنل داری روانه انگلستان نمود. قرار شد این گروه در رشته‌های توپخانه ارتش، مهندسی، شیمی یا طب، مترجمی زبان و قفل و کلیدسازی تحصیل کنند.

سیر اعزام دانشجویان به خارج ادامه یافت. بسیاری از دانشجویان ایرانی در خارجی مجذوب تمدن غربی شدند و به عضویت انجمنهای فراماسونری که حامل فرهنگ غرب و در صدد نفوذ به جهان واپس مانده بودند درآمدند. بسیاری از تحصیلکرده‌های غرب در بازگشت ترجمه‌ای از جسد نیمه‌جان روشنفکری قرن نوزدهم اروپا را به ارمغان آوردند.

۲-۲- تأسیس مدارس جدید در ایران:

اولین مدرسه جدید در ایران در اوایل سال ۱۲۵۵ قمری و در زمان محمدشاه قاجار و با حمایت او، توسط پرکینز، کشیش امریکایی در شهر ارومیه تأسیس شد. دومین مدرسه نیز توسط کشیش فرانسوی اوژن بوره تشکیل گردید.

امیرکبیر در دوران صدارت خود مدرسه دارالفنون را برای علوم فنی، طبی، نظامی و صنعتی پایه‌ریزی کرد. برای جلوگیری از نفوذ استعمارگرانی که در ایران جولان می‌دادند، تصمیم گرفت که معلمین را از کشور پیشرفته‌ای که بی‌طرف باشد انتخاب کند، لذا متوجه اطریش شد. پس از برکناری و قتل امیرکبیر جهت حرکت دارالفنون از اهداف والای وی منحرف شد.

پس از آن مدارس مختلفی به شیوه جدید در ایران تأسیس شد و تأسیس دانشسرای عالی برای تربیت دبیر مورد توجه قرار گرفت. بالاخره در سال ۱۳۱۳ با تصویب قانون تأسیس دانشگاه، سنگ اول بنای دانشگاه تهران به دست رضاخان گذارده شد.

۱- منبوی. مجتبی، اولین کاروان معرفت ایران، مجله بنگما، سال ششم، شماره ۵، ص ۱۸۲.
۲- نقل از سفرنامه میرزا صالح شیرازی، ص ۱.

معمار اصلی دانشگاه در ایران دکتر عیسی صدیق است که احساس حقارت و اظهار بندگی نسبت به غربیان را بارها به اثبات رسانده است.

از اهداف اصلی تأسیس دانشگاه القا تمدن و فرهنگ غرب و ترویج فرهنگ شاهنشاهی بود. به این منظور افراد فراماسون و وابستگان به ساواک در دانشگاه به فعالیت پرداختند. «چنانکه آمار نشان می‌دهد، از ۱۹۹۶ نفر استاد دانشگاه تهران، حدود ۲۰۰ نفر آنها فراماسون و حدود ۵۰۰ نفر آنها ساواکی بوده‌اند»^(۱).

وابستگی مغزهای دانشگاهی به استعمارگران باعث شد که علی‌رغم صرف میلیاردها تومان از بیت‌المال، نتیجه مطلوبی از دانشگاه گرفته نشود. لذا امام خمینی (ره) در تاریخ ۵۹/۳/۲۳ ضمن صدور فرمان تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی ماهیت دانشگاه استعماری را چنین توصیف کردند: «در طول مدت سلطه رژیم فاسد، کارفرمایان بی‌فرهنگ این مرکز مهم اساسی را در خدمت استعمارگران قرار داده بودند که از دستاوردهای دانشگاهها به خوبی معلوم می‌شود که جز معدودی متعهد و مؤمن که علی‌رغم خواست دانشگاهها در خدمت کشور و اسلام بودند، دیگران جز ضرر و زیان چیزی برای کشور ما بار نیاوردند...»

از آنجا که جهان غرب و دانشگاههای آن سیاست غیردینی و مشی جدایی دین از سیاست و زندگی اجتماعی را اختیار کرده بودند دانشگاههای ایران نیز بنا به اهداف مؤسسين و گردانندگان خود از حوزه‌های علمیه جدا افتادند و علمای دین نیز با مشاهده دست استعمار و سیاست سکولاریستی در دانشگاهها نسبت به آن بی‌اعتماد شده و فاصله بیشتری با علوم تجربی و سایر علوم متداول در دانشگاهها پیدا کردند.

حوزه‌های علمیه قم که توسط مرجع بزرگوار حضرت آیه‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری پایه‌گذاری شد و در ابتدا، فعالیت خود را با محدودی طلبه در رشته فقه و اصول آغاز نمود، هم‌اینک قریب سی هزار طلبه را در رشته‌های مختلفی همچون فقه و تفسیر، تبلیغ، فلسفه و کلام و... زیر پوشش آموزشی خود قرار داده است. گرچه افزایش طلاب و تنوع رشته‌های تحصیلی، نشانگر رشد حوزه بود. و بعد از انقلاب اسلامی نیز با اقبال جوانان مستعد علاقمند به حوزه‌های علمیه به ویژه حوزه قم، تحولی همدوش با تحولات جامعه و تضارب آرا و نظرات در این مرکز علمی پدید آمده، ولی با توجه به مسائل و مشکلات نظام جمهوری اسلامی از جمله تهاجم فرهنگی و غیره این مقدار تحول در حوزه کافی نخواهد بود. علاوه بر این می‌توان ادعا کرد که این تحول تا حدی همچون گذشته حرکتی انفعالی بوده و از شیخ طوسی آغاز شده و تا به امروز نیز ادامه داشته است. با این تفاوت عمده که در دوره‌های گذشته، حوزه با تحول جامعه، تحولاتی داشته و فقه و اصول و تفسیر و کلام آن نیز پاسخگوی نیازهای زمان بوده ولی امروز می‌خواهد با استفاده از همان متون و همان معارف و دانشها و روشها پاسخگوی شبهات و مشکلات و مسائل امروز باشد. به عبارت دیگر گرچه آن تحول، نسبت به قبل از انقلاب، یک تحول به حساب می‌آمد ولی نسبت به گذشته خود رکود و عقب‌گرد تلقی می‌گردد. اگر شرح لمعه با مباحث گسترده مربوط به معاملات جوابگوی داد و ستدی گذشته و متناسب با زمان خود بود ولی امروزه به تنهایی پاسخگوی مشکلات جامعه نخواهد بود.

لذا باید گفت که اینگونه منابع و آن روشها و دانشها برای دنیای امروز کافی نیست و برای حل معضلات و مشکلات کنونی باید چاره‌ای اندیشید. این نوشته، بررسی تحلیلی است از وضعیت حوزه علمیه قم در زمینه‌های آموزشی و پژوهشی تا ان‌شاءالله بر این مینا به جبران ضعفهای گذشته و برداشتن گامهای جدید همت گماریم.

جهت پی‌بردن به وضعیت حوزه‌های علمیه، به عنوان نمونه به بررسی وضعیت حوزه علمیه قم که قدمت پنجاه ساله داشته و پس از افول حوزه نجف به دست صدام حسین، از مهمترین مراکز دینی شیعه به شمار می‌رود، پرداخته شد. در این قسمت تحلیلی مفصل از وضعیت آموزشی و پژوهشی حوزه ارائه شده است که عناوین کلی آن عبارت است از:

- ۱- جذب و گزینش
- ۲- فضاهای آموزشی و وسایل کمک آموزشی
- ۳- آموزش و تدریس
- ۴- حوزه‌های آموزشی
- ۵- منابع و متون
- ۶- خروجی حوزه
- ۷- پژوهش

۱- جذب و گزینش طلاب

الف: گزینش برادران طلبه:

جذب و گزینش برادران طلبه در دو مقطع صورت می‌گیرد.

۱- طلاب جدید الورود: که از طریق جراید کثیرالانتشار در آزمونی که مواد آن عبارت است از درس عمومی دوره راهنمایی، شرکت بسته و در صورت احراز نمره قبولی گزینش می‌شوند. حدنصاب نمره قبولی توسط شورای عالی حوزه تعیین خواهد شد.

۲- طلاب غیرمبتدی: طلابی که نمره قبولی لمعتین و اصول همپایه آن (یعنی اصول الفقه مرحوم مظفر و اصول الاستنباط) را احراز کرده و به تأیید معاونت امور شهرستانها رسانده باشند، پذیرفته خواهند شد. بر اساس آمار ارائه شده از سوی مدیریت حوزه، تعداد داوطلبان شرکت‌کننده در آزمون سال جاری حوزه علمیه قم ۱۷۰۰ نفر^(۱) بوده که ۸۰۵ نفر^(۲) از ایشان جذب و پذیرفته شده‌اند.

علی‌رغم اینکه این تعداد نیروی گزینش شده نسبت به سال گذشته که رقم آن ۶۷۶ نفر بوده بیانگر رشد حوزه بوده است ولی باید اذعان نمود که با توجه به اعلام این آزمون از طریق نشریات کثیرالانتشار تعداد شرکت‌کنندگان بسیار ناچیز می‌باشد. این امر نشان می‌دهد که حوزه در رابطه با جذب طلاب^(۳) موفقیت چندانی نداشته و دچار مشکل می‌باشد و لذا تحقیقاتی را می‌طلبد تا عوامل مشکل‌زا را مشخص نماید.

اما در مورد گزینش از پایه سوم راهنمایی که حدود سن چهارده سالگی می‌باشد با توجه به اینکه جوانان در این سن به لحاظ ویژگیهای شخصیتی خاص این دوران از اراده جدی لازم برخوردار نبوده و از طرفی کمترین مبانی فکری را هنوز در انتخاب راه درست به دست نیاورده‌اند، لذا نمی‌توانند تصمیم صحیحی برای ترسیم آینده زندگی خود بگیرند و دائماً در شک و تردید هستند.

نکته دیگر این است که اقبال به سوی حوزه که در سالهای اول انقلاب افزایش چشمگیری داشت به استثنای سال گذشته که توسط تبلیغات تا حدودی از افزایش کمی برخوردار بوده، به طور کلی در سالهای اخیر به دلیل تنگناهای معیشتی طلاب و اوضاع سیاسی اجتماعی کشور، شدیداً رو به کاهش نهاده است.^(۴) و بدون شک این عدم استقبال جوانان از گرایش به علوم حوزوی در جذب پذیرش طلاب با استعدادهای مؤثر بوده و در نتیجه در رشد کیفی فعالیت‌های علمی و پژوهشی حوزه نیز تأثیرات نامطلوبی گذارده است.

ب: گزینش خواهران طلبه

در مورد پذیرش و آموزش خواهران طلبه، شورای مدیریت هیچگونه دخالتی نداشته و در این مورد مؤسسه «جامعه الزهرا» (س) تاکنون به طور مستقل اقدام کرده است. همچنین حوزه‌های علمیه شهرستانها (اعم از برادران یا خواهران) تاکنون به طور کلی تحت پوشش مدیریت حوزه علمیه قم نبوده‌اند که این ناهماهنگی، خود حاکی از عدم وجود رویه‌ای یکسان در پذیرش و آموزش در حوزه‌ها می‌باشد.

گرچه استقلال در عمل تا حدودی می‌تواند موجبات رشد طلاب و مراکز علمی را فراهم سازد ولی از طرفی می‌تواند موجب فعالیت‌های تکراری و عدم اطلاع از نتایج کارهای دیگران نیز باشد. لذا اگر حوزه در

۱- مصاحبه با آیه الله مؤمن - نشریه پیام حوزه - شماره ۶ - ص ۶۱
۲- گزارش ارائه شده از مراکز مدیریت حوزه علمیه قم - ص ۱
۳- گزارش ارائه شده از مراکز مدیریت حوزه علمیه قم - ص ۱
۴- مصاحبه با آیت‌الله استادی، مدیریت محترم حوزه علمیه قم.

۳- آموزش و تدریس

الف: محور آموزش

از مباحث تخصصی مربوط به آموزش این است که بینیم در هر نظام آموزشی، محوریت با چیست. گرچه این مبحث ممکن است ارتباط چندانی با این گزارش نداشته باشد. ولی چون در خروجی و محصول کار حوزه تعیین کننده به نظر می‌رسد، لذا اشاره به آن خالی از فایده نخواهد بود.

نظامهای آموزشی موجود، غالباً دارای یکی از محوریت‌های «استاد و معلم»، «دانشجو و محصل» و یا «مختلط» هستند. اما در حوزه‌ها عملاً نظام مختلط، آن هم با شیوه خاص خودش حاکم است. یعنی استاد تدریس را و طلبه هم پیش مطالعه، مطالعه و مباحثه را بر عهده دارند. این نوع از آموزش موجب می‌گردد تا طلاب در مباحث علمی ورزیدگی بیشتری پیدا کنند و به راحتی بتوانند مطالب را به حافظه بسپارند. این روش هم اکنون در حوزه‌ها به طور سنتی عمل می‌گردد و کنترلی هم بر انجام آن از سوی اساتید وجود ندارد، و تنها عامل کنترل، همانا انگیزه درونی افراد است.

ب: تدریس و طرح درس

از جمله مباحث تخصصی دیگری که در یادگیری طلاب و رشد تحصیلی آنان نقش مؤثری داشته، روش تدریس می‌باشد. روند متداول چه در دروس سطح و چه در خارج ابتدائاً تقریر مطالب است. یعنی استاد مطالب درسی را خارج از کتاب شرح داده و سپس این تقریرات را با متن مطابقت می‌کند، و به طور طبیعی دارای یک آغاز و فرجامی است که به منزله طرح درس او می‌باشد. ولی در این طرح، اهداف کلی و جزئی درس مشخص نمی‌شود و در آن دسته‌بندی و جمع‌بندی از مطالب کمتر به چشم می‌خورد. لذا غالب طلبه‌ها چارچوب کلی مشخصی از دروس در دست ندارند. البته هر چند در سالهای اخیر فشار امتحانات، طلاب را مجبور به خلاصه‌نویسی و چارچوب‌بندی دروس کرده، ولی از جانب اساتید چنین اقدامی تاکنون صورت نگرفته است. لذا اگر درسی دارای طرح باشد طبعاً استقبال‌کنندگان و مستمعین زیادی خواهد داشت.

در حوزه از آموزش اساتید، چه قبل از آنکه به تدریس اشتغال ورزند و چه در ضمن تدریس، خبری نیست. فقط در سالهای اخیر از طلابی که علاقمند به تدریس باشند امتحان گرفته می‌شود که آن هم صرفاً از متن کتاب درسی بوده و از روش تدریس، طرح، و... هیچ سخنی در کار نیست.

ج: بررسی و تبادل آرا

از ویژگیهای پسنديده حوزه، آنچه که میان طلاب به هنگام مباحثه رایج و مرسوم است، تبادل نظرات ایشان است. البته این تبادل آرا در دوره سطح پیرامون مطالبی انجام می‌گیرد که ایشان آموزش دیده‌اند و در دوره خارج نیز پیرامون نظراتی که از سوی استاد مطرح می‌گردد. این روند در افزایش قدرت علمی طلاب بسیار مؤثر می‌باشد. اما علی‌رغم محسناتی که در این روش وجود دارد، از آنجا که مواد درسی غیر منطبق با شرایط روز جامعه است، لذا جز ورزیدگی ذهنی چیز دیگری از این روند عاید نمی‌گردد.

نکته دیگر این است که این تبادل آرا در سطح بالاتر، یعنی در بین مجتهدین و مراجع وجود ندارد، لذا در بسیاری از موارد بین ایشان اختلاف آرا به چشم می‌خورد. گرچه این اختلافات از نظر علمی مفید و نشانگر رشد بوده ولی در عمل، برای مردم و مقلدین مشکلات و معضلاتی را به همراه داشته است. به ویژه در زمان ماکه مراجعی غیر از مقام معظم رهبری حضور داشته و افراد بسیاری از ایشان تقلید می‌کنند.

البته این نکته قابل توجه است که اساتید در درس خارج به روش سنتی، آراء قدماء و برخی از متأخرین را بررسی می‌کنند ولی بررسی آرا معاصرین در قید حیات چندان مورد توجه نیست. و اگرچه این امر هم تحقق پیدا کند چون حضوری نبوده و جنبهٔ مناظره هم نداشته، نتیجه‌ای مانند نتایج درس خارج را دارا نخواهد بود. و دلیل چنین امر خطیری هم برکسی روشن نیست، گویا در این زمینه فقط رهبر معظم انقلاب پیشقدم بوده و جلساتی هم با برخی از صاحب‌نظران و مجتهدین جهت بحث و تبادل نظر برقرار ساخته‌اند.

د: هدفداری و عمق

یکی از ویژگیهای برجستهٔ درس حوزوی که علی‌رغم وسعت و عمق مطالب و شاخ و برگهای فراوانی که دارد، هدفداری آن است به طوری که هر مبحثی در حقیقت، اصل یا قاعده و حکمی را نشانه می‌رود و کمتر بحثی وجود دارد که به دنبال هدف علمی نباشد، یعنی ممکن است بعضی از مطالب کاربرد و ثمرهٔ عملی نداشته باشند و از این جهت آنها را بی‌هدف بدانیم ولی هدفی علمی را تعقیب می‌کنند. در درس حوزوی هیچ‌چیز به صورت سطحی و گذرا مورد بررسی قرار نمی‌گیرد، بلکه پیرامون سیر موضوعی نظریات و آرا بزرگان قدما و متأخرین نیز با تأمل بسیار مورد مذاقه و کاوش قرار گرفته، چنانچه پس از بررسیهای لازم نتیجه‌ای عاید نگردد، رأی و نظر خود را با احتیاط بسیار اعلام می‌کنند. این‌گونه برخورد با مسایل از این جهت که فقیه تا به نظری قطعی نرسیده اظهار نظر نمی‌کند بسیار پسندیده است. اما احتیاط و تردید «در عمل» مشکل آفرین می‌باشد.

درس حوزه بر خلاف درس علوم انسانی دانشگاهی که توصیفی بوده و وضع موجود را تحلیل می‌کند و در این راه به مشاهدات و آزمایشها اتکا داشته و به شاخ و برگها می‌افزاید و پرگویی می‌کند و عموماً عمق چندانی هم ندارد، به لحاظ برخورداری از وحی از این آفت به دور بوده و با اینکه در تمامی حوزه‌های علوم انسانی دارای مطالب و سخنانی عمیق است و مطالب را به صورت بنیادی بیان می‌دارد، وضع مطلوب را تعریف کرده و سخن‌پردازی کمتر در آن راه دارد.

ه: طولانی بودن دورهٔ آموزش

از معایب نظام آموزشی حوزه، طولانی بودن دورهٔ آموزشی می‌باشد، که عوامل زیر را به عنوان علل آن می‌توان ذکر کرد:

- ۱- مطالعه و بررسی آرای فقها توسط طلاب و عدم ارائه روش و مبانی آنها در کتب درسی که حجم سنگینی از مطالب را به وجود آورده است.
- ۲- تکرار مطالب درسی در پایه‌های مختلف.
- ۳- گرایش نبودن درس و تخصصی نبودن آنها.
- ۴- تعطیلات زیاد.

با توجه به خروجهای حوزه، در می‌یابیم که این مسألهٔ طولانی بودن دورهٔ آموزش، موجب فرار بسیاری از طلاب شده و آنها را از ادامهٔ تحصیل خسته کرده است. و پیش از اینکه ایشان از آموزش در یک رشته نتیجه بگیرند جذب فعالیتهای دیگر می‌شوند و درس آنها هم ناتمام باقی می‌ماند. به عنوان مثال حدود هزار طلبه جذب دانشگاهها شده‌اند و بسیاری نیز از یک رشته به رشتهٔ دیگر رفته و هر روز به موضوعی پرداخته‌اند، مدتی فقه و اصول، مدتی هم فلسفه یا تفسیر و غیره و در نتیجه، آن مخارج سنگینی که

برای آموزش به کار رفته نتیجه مطلوبی عاید نساخته است. البته همانطور که حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی در مصاحبه خود در نشریه حوزه بیان داشته‌اند، اخیراً شورای عالی حوزه در صدد ایجاد دو نوع آموزش است، کوتاه مدت و بلندمدت، آموزش کوتاه مدت که برای تبلیغ و آموزش بلندمدت که برای اجتهاد در نظر گرفته شده تا حدودی مشکلات را مرتفع می‌سازد ولی به نظر می‌آید که برای رسیدن به اهداف متعالی باید تمامی عواملی که به آنها اشاره شد مورد توجه قرار گیرد.

به هر حال طولانی بودن دوره آموزشی حوزه، کارایی عملی آن را کاهش داده و نتیجه مطلوبی از آموزش حدود سی هزار طلبه که فقط در حوزه قم آموزش می‌بینند در بر نداشته است.

۵. پویایی

در مورد بررسی نیازها و مشکلات جامعه در نظام آموزشی حوزه باید گفت مطالب ارائه شده در متون درسی گرچه با نیازهای زمان خود مطابق و پاسخگوی مشکلات بوده، ولی امروزه به هر امر حقوقی یا اقتصادی و اجتماعی که برخورد می‌کنیم، با اجمال و سکوت مواجه می‌شویم. هر چند این موارد از مباحث تخصصی بوده و اظهار نظر نسبت به آنها نیازمند به زمان بیشتری است ولی پاسخگویی به نیازهای جامعه امری فوری و ضروری می‌باشد. در این مورد باید گفت، با وجود اینکه طلبه در این نظام آموزشی ورزیدگی لازم را در استخراج مطالب به دست آورده و به عبارتی به قوه استنباط می‌رسد و حتی حس کنجکاوی و نیروی ابتکار او تقویت شده و به سمت تحقیق سوق می‌یابد، ولی همه اینها به این معنا نیست که این نظام آموزشی توانسته او را به پویایی برساند و او قادر شده که به مسایل روز پاسخ دهد، بلکه او تنها در چارچوب همان اطلاعات قبلی، به این ویژگیها دست می‌یابد و به عبارت دیگر او مقلدی از فقهای قبلی است و نظریه‌های جدید خود را صرفاً در قالب الفاظی همچون «احوط» یا «اقوی» بیان می‌دارد. برای اثبات این مدعا همین دلیل کافی است که ما در مسایل جدید مانند ارزش پول، معاملات کالی به کالی، ارزش سند نوشته در نظام حقوقی و اقتصادی اسلام، موسیقی و... هنوز نتوانسته‌ایم به نظر قاطعی دست یابیم.

۴. حوزه‌های آموزشی

علی‌رغم اینکه، دین مبین اسلام، قلمرو و حوزه تفقه را تمامی دین می‌داند، ولی در نظام آموزشی حوزه مشاهده می‌شود که فقط به فقه الاحکام عنایت شده است و معارف نیز به صورت دروس جنبی آن هم با شیوه‌ای قدیمی تدریس می‌گردد. در حالی که علی القاعده باید از معارف، احکام، آداب و نظامات و مهمتر از همه از فلسفه احکام بحث شود. این دو مورد اخیر که دیدگاه فقیه را می‌سازد و به او روشنی می‌بخشد، به هیچ وجه در حوزه مورد تأمل نیست، فقط در دروس خارج، به هنگام ذکر استدلالات، اساتید مطالبی را بیان می‌دارند، در حالی که تمامی مشکلات امروز جامعه ما، نگرش فقیه به همین دو امر بستگی دارد که نظر او در مورد فلسفه احکام و نظامات حقوقی، اقتصادی و... چیست؟

۵. منابع و متون

متون درسی حوزه از سالها پیش، هیچ‌گونه تغییری نداشته و فقط اخیراً یک کتاب اصولی، آن هم در دوره سطح تغییر یافته است، که این نیز چندان مورد پسند واقع نشده است. این متون همانگونه که بیان شد مطابق با نیازهای روز نمی‌باشد. البته در دروس عمومی مطالبی از دروس دانشگاهی وارد شده که چندان هم

مفید فایده نیست. در رابطه با فایده و کارایی منابع و متون درسی، هر کتابی به طور خاص نیاز به بررسی و تحلیل دارد، ولی به طور کلی باید گفت که این متون علاوه بر ضعفهای فنی که در آنها وجود دارد، از پاسخگویی به نیازهای روز نیز عاجز هستند. در این نظام آموزشی به طور کلاسیک از آموزش احادیث و نهج البلاغه چندان خبری نیست و آموزش تفسیر هم که اخیراً به صورت یک رشته خاص درآمده آنچنان مورد عنایت نمی باشد و جزء دروس عمومی محسوب می شود.

به عبارت دیگر، منابع اصلی مادر این نظام، در متن آموزش نبوده، حتی آیات الاحکام که یادگیری آن برای طلاب امری ضروری است اساساً فراموش شده است.

ع- خروجی حوزه

باید گفت خروجی و محصول فعالیتهای حوزه، اساساً تحت هیچ برنامه ای ارائه نمی گردد، و فقط اخیراً با ایجاد رشته های جدیدی حرکتی در حال انجام است. خروجی حوزه به طور سنتی در قالب عواملی همچون امام جماعت، مبلغ، واعظ، و تعدادی هم محقق صورت گرفته است. در این مورد، نیازهای جامعه مورد نظر نبوده و طلاب هم طبق ذوق و سلیقه شخصی خود عمل کرده اند و یا به عبارتی بر اساس استعدادها و توانایی های تحصیلی خود به کسب علم پرداخته و یا ترک تحصیل کرده اند و سپس به اینگونه اشتغالات مبادرت نموده اند و اخیراً هم حدود هزار نفر از ایشان (بنا به اظهار مدیریت محترم حوزه) جذب دانشگاهها و تعداد قابل توجهی هم جذب ادارات و مراکز نظامی شده اند. و باید گفت هم اینک تعداد بسیاری از طلاب وجود دارند که نه به کسب علم مشغولند و نه اشتغال دیگری دارند و در حوزه سرگردان هستند.

۷- پژوهش در حوزه

قدمت و سابقه پژوهش در حوزه به تاریخ تشکیل حوزه باز می گردد. از همان ابتدای تأسیس حوزه های علمیه، استوانه های علمی در این حوزه ها با دقت و توجه بسیار در منابع اولیه یعنی قرآن و سنت به پژوهش پرداخته و متون فقهی و اصولی را تدوین نمودند و در این کار تنها به فقه شیعه بسنده نکردند، بلکه نظرات فقهی بزرگ اهل تسنن را نیز جمع آوری و مورد بررسی قرار دادند.

نمونه این حرکت را می توان در کتاب «خلاف» شیخ طوسی علیه الرحمه مشاهده کرد. این حرکت همواره توسط نخبگان علمای اسلامی تاکنون ادامه داشته است. اما آنچه که قابل توجه است فردی بودن این پژوهشهاست. شاید این امر هم به دلیل وضعیت خاص مسئله اجتهاد بوده باشد، زیرا هر مجتهدی علی القاعده باید نظرات شخصی خود را که مبتنی بر علم و یقین خودش باشد ارائه نماید و چون طبیعت فعالیت های جمعی اختلاف آرا است و یک فقیه در صورت مخالفت با رأی دیگران، ولو اینکه تمامی آنها هم یک رأی داشته باشند، نمی تواند از آنها تقلید کند، لذا تمایلی به این امر هیچ گاه در بزرگان حوزه نبوده مگر در مواردی که منجر به اظهار نظر از سوی ایشان نمی شده و صرفاً جمع آوری احادیث و یا آرا بوده است. البته مرحوم علامه مجلسی در جمع آوری «بحار الانوار» از شاگردانش کمک می گرفته که این پژوهش، موردی بوده و جنبه فردی داشته و تحت برنامه خاصی نبوده و نیازهای روز جامعه را هم کمتر نشان داده، و صرفاً بر اساس استعداد افراد و سلیقه آنها عمل می شده است.

امروزه با وجود مدیریت نیمه متمرکز و متمرکز سالهای اخیر، مدیریت حوزه نتوانسته در زمینه پژوهش آنهم به صورت جمعی، فعالیتی جدی را ارائه نماید.^(۱) البته نباید فراموش کرد که اساتیدی در حوزه اینگونه فعالیتها را از اوایل یا بلکه پیش از انقلاب شروع کرده و مؤسسات بسیاری را که حدود صد مرکز بوده تأسیس کرده و اداره می‌کنند. این مراکز در موضوعاتی به شرح ذیل می‌باشند:^(۲)

۱- مراکز تحقیقاتی و فرهنگی

۲- کتابخانه‌ها

۳- مجله‌های منتشره

۴- مراکز انتشاراتی

۵- مراکز سمعی و بصری

مراکز فوق به تحقیق پیرامون تاریخ، فرهنگ اسلام، منابع علوم انسانی، معارف اسلامی، نهج البلاغه، قرآن کریم، احادیث و متون روایی پرداخته و خروجی‌های بسیاری را نیز ارائه کرده‌اند. بعضی از این مراکز بیشتر به مسائل روز در زمینه علوم انسانی پرداخته و کتب و جزواتی را نیز عرضه داشته‌اند.^(۳)

۱- گزارش ارائه شده از مرکز مدیریت حوزه قم.
۲- راهنمای مراکز فرهنگی، بانک اطلاعات علوم اسلامی مراکز تحقیقات و تبلیغات اسلامی، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی.
۳- دفتر ارتباط حوزه و دانشگاه.

مشروح بیانات آیت الله استادی در مصاحبه پژوهشگران مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی با ایشان، در تاریخ ۷۴/۸/۱۵:

.... مؤسسات تحقیقی و پژوهشی مختلفی در قم وجود دارند. جامعه مدرسین - دفتر تبلیغات یک بخش از آن است. یکی از آنها مؤسسه معارف اسلامی است.

برخی از این مؤسسات مجله یا نشریه هم دارند. نشریات متعددی هم چاپ کرده‌اند. یکی از آنها مؤسسه در راه حق است که در حقیقت مؤسسه خود ماست. مؤسسه‌های مصباح است به نام مرکز آموزشی امام خمینی (ره) که تشکیلات بسیار مفصلی دارد که در ابتدا در مؤسسه در راه حق بودند و امسال به مرکز جدید خودشان رفتند. به هر حال سه بخش از سؤالات شما را راهی برای پاسخگویی به آنها نداریم. آن سه بخش عبارت است از: خواهران طلبه - طلاب خارج از کشور تحقیقات و پژوهش. مگر اینکه برای کسب اطلاعات درباره خواهران طلبه به آقای طباطبایی در مکتب الزهرا (س) مراجعه کنید و در مورد طلاب خارج هم به مرکز خودشان (آقای غفاری) رجوع کنید و درباره مؤسسات متعدد و مختلف هم به تک تک آنها اگر بخواهید نامه بنویسید و یا به آنها مراجعه نمایید تا نتیجه‌ای حاصل گردد.

راجع به کارهای مربوط به ما در اینجا می‌توان با علامتگذاری سؤالات را مشخص کرد که کدامیک از سؤالات را ما پاسخ می‌دهیم تا پس از آن به بخشهای مربوط ارسال شود و ایشان هم بنویسند و آماده کنند تا تشریف بیاورید و بگیرید یا برایتان بفرستیم. مثلاً در بین سؤالات شما، سؤال مربوط به روش جذب طلاب را می‌نویسند. یا مثلاً سؤال شده که چه دروسی را امتحان می‌گیرند، این را هم می‌نویسند. ولی این سؤال که تعداد قبولی‌های سال گذشته در حوزه چقدر بوده است را نمی‌توان پاسخ داد.

چون بعضی از این آمارها تا حدودی برای ما مسأله هم دارد. ببینید این سؤال که مثلاً توزیع طلاب به چه صورت است، این را می‌توانیم پاسخ بگوییم. اما مثلاً این سؤال که تعداد قبولیان حوزه در سال گذشته یا سال جاری به چه میزان بوده؟ این سؤال اصلاً نباید مطرح شود. چون وقتی بگوییم سال گذشته فلان تعداد قبولی و امسال نیز فلان تعداد بوده، ممکن است روی این آمار نظر خاصی داده شود، یا مثلاً اگر تعداد قبولی زیاد باشد باز رویش نظری ارائه دهند. بلکه باید سؤال بدین گونه طرح شود که معمولاً به طور متوسط تعداد قبولی‌ها و مردودها در سال چقدر است؟ چون می‌دانید که الآن حوزه قم خیلی جاذبه ندارد. به خصوص اوایل انقلاب که جوانان بیشتر اقبال کردند و آمدند. بسیاری از ایشان هم که آمدند پس از مدتی رها کردند و رفتند. ممکن است خود ایشان این طور بگویند که حوزه مشکلاتی داشت و ما نتوانستیم در آنجا بمانیم. ولی واقعیت امر این است که هم حوزه مشکل دارد و هم خودشان به جهت زندگی شخصی دارای مشکلاتی هستند. این دو عامل دست به دست هم می‌دهند و از آن استقبال اول انقلاب می‌کاهند. الآن تقریباً یک تبلیغاتی را از طریق مطبوعات و صدا و سیما برای روی آوردن جوانان به حوزه انجام می‌دهند و این کار تاکنون انجام نمی‌شد و فقط امسال یک قدری بیشتر تبلیغ شده است، به دنبال این تبلیغات دو سه هزار نفر داوطلب اعلام آمادگی کردند که یک درصدی از ایشان همان اوائل کار، خودشان از آمدن به حوزه منصرف شدند. درصدی هم آمدند به اینجا و معلوم شد که شرایط لازم را نداشتند.

البته این حرف هم که مشهور شده که حوزه جایی است برای فرار از نظام و وظیفه، حرف درستی نیست، زیرا وقتی به اینجا می‌آیند اگر یک سال از غیبت نظام وظیفه داشته باشند در حوزه از ایشان ثبت نام نمی‌شود. و لذا هزار و دویست سیصد نفر ماندند. اما سؤال از اینکه مثلاً ما به تعداد واردین، خارج داریم یا

نه؟ این یک مسأله جدایی است. چون به یک معنا می توانیم بگوییم که اصلاً ما در این زمینه که چه کسانی از حوزه می روند، آماری در دست نداریم. بسیاری از افرادی که می روند رفتنشان مشروط به این است که شهریه ایشان قطع نشود.

یعنی جایی به ایشان پیشنهاد می شود که مثلاً فلان روستا یا فلان بخش برو و مشغول کار شو. حتی مثلاً برو فلان جا امام جمعه شو. این فرد وقتی برآورد می کند می بیند که در آنجا زندگی اش اداره نمی شود. از همین جا شرط می کند که اگر ما از اینجا برویم باید این مبلغی که از اینجا می گرفتیم را بگیریم و آنجا هم یک مبلغی بگیریم. خودبخود می بینیم که ارتباط او با حوزه قطع نمی شود. او هم رفته هم نرفته.

سؤال شد: جناب استاد، می خواهیم بدانیم چه تعداد طلبه فرضاً در سال گذشته از طیف آموزشی خارج شده اند؟ (تعداد فارغ التحصیلان)

پاسخ استاد: ما این آمار را نداریم. فقط شهریه ما گویاست که چه کسی رفته یا نرفته. یا هر چه شهریه زیاد شود مشخص می گردد که چقدر آمده اند و اضافه شده اند. و وقتی هم که کسی خارج می شود این طور نیست که خودشان را ملزم بدانند که بیایند و اعلام کنند که ما رفتیم. به محض اینکه این افراد جذب جایی می شوند می روند و چیزی هم به ما اعلام نمی کنند. یعنی اگر به جایی یا به کسی علاقه داشته باشند و بدانند که اگر به آنجا بروند فکر می کنند که زندگی شان اداره می شود، بدون اینکه به کسی که بگویند حرکت می کنند و می روند و مشغول کار می شوند. شاید من که با ایشان سلام و علیک دارم بعد از دو سال متوجه می شوم که ایشان رفته اند. خروج از حوزه هنوز نظام خاصی پیدا نکرده است. الا کسانی که خود ما ایشان را به جاهای مختلف یا نقاط محروم جهت انجام کار می فرستیم.

این سؤال که تعداد طلاب عضو کتابخانه چقدر است، یا چند درصد از مدارس دارای کتابخانه می باشند، اینها را می توانیم پاسخ بگوییم. البته در صدی نباید گفت چرا که هر مدرسه ای حتماً کتابخانه دارد. فقط باید بررسی شود که این کتابخانه با چه کیفیتی است. مثلاً چند کتابخانه با چند جلد کتاب در اختیار طلاب می باشد. اینها قابل جواب است چون کتابخانه ها تعداد کتابشان روشن است. و یا در مدارس از میز و غیره استفاده می شود؟ یا در این فضاها از تخته سیاه و وسایل سمعی و بصری استفاده می شود؟ - تخته سیاه تا حدی در کلاسهای ما در حال مرسوم و متداول شدن است، نه اینکه فراگیر باشد. فراگیر که نیست هیچ، حتی در صدش هم زیاد نیست. سمعی و بصری هم که اصلاً نداریم. فقط تشکیلات آقای مصباح و مؤسسه آموزشی ایشان است که دارای تشکیلات سمعی و بصری است. و اگر منظور، تشکیلات آقای جوادی باشد که رادیو و تلویزیون خودش به طور مستقل متصدی این کار است که انجام دهد. در جاهای دیگر اصلاً سمعی و بصری وجود ندارد. منتها در جاهایی که در سها خیلی مهم باشد خود گوینده یا شاگردان مطالب را ضبط می کنند.

توضیح پیرامون روشهای آموزشی حوزه

عرض کنم که روشهای آموزشی و سؤالات مربوط به آن تمامی نیاز به بحث مفصل دارد و با بله و خیر گفتن نمی توان به آن پاسخ گفت. این سؤالات که آیا اساتید بر اساس طرح درس مشخصی تدریس می کنند؟ و یا مثلاً چند درصد از اساتید برای تدریس آموزش دیده اند؟ اینها اصلاً جوابش منفی است. چون ما در اینجا تربیت مدرس نداریم. ولی در این فکر هستیم که در اینجا تربیت مدرس درست کنیم. اینجا

اساتید به صورت خودجوش به استادی می‌رسند و از یک جایی شروع می‌کنند و وقتی که شایستگی از خود نشان دادند خود به خود کارشان توسعه پیدا می‌کند.

گاهی هم بعضی از شاگردان روش و شیوه استاد را نمی‌پسندند چون هیچ روش و شیوه صحیحی را در آن نمی‌بینند. البته گاهی اوقات محتوای درس جمعیت دارد. این اساتید به خاطر نظام درشان مشتری جلب می‌کنند. این هم یک نوع طالب دارد. برخی درسهام، هستند که هر دو ویژگی را دارا می‌باشند. یعنی هم نظم و نظامی دارند و هم دارای محتوا هستند. که البته شاید کمتر چنین اساتیدی وجود داشته باشند. به هر حال، آن قسمتهایی که مربوط به اینجا نیست که با خودشان تماس بگیرد. بقیه را هم یک فرصتی به ما بدهید تا بدهیم به بخشهای مختلف تا انشاءالله بنویسند. اگر مایل به ضبط کردن باشید باید مسؤل هر بخشی بگویم که خودش را آماده کند در یک روزی با یادداشتهایی که دارد تا درست بتواند جواب بدهد.

آقای اسداللهی: البته اگر بنویسند خیلی بهتر است. چون پس از ضبط کردن نیاز به پیاده کردن دارد و این مشکلاتی را فراهم می‌کند.

استاد: به هر حال شما می‌توانید با جاهایی که گفتم در این مدت تماس بگیرید. در مورد سؤالات مربوط به اینجا هم بعداً با ما تماس بگیرید. می‌گویم که از همین امروز رویش اقدام کنید. خیلی از سؤالات آسان هستند. فقط یک چندتایی از آن وجود دارد که باید آن را بررسی کنند و جواب دهند.

تمام سؤالات مربوط به مؤسسات تحقیقی و پژوهشی به ما ربطی ندارند. بخش خواهران به ما ارتباطی ندارد و بخش طلاب خارج هم به ما مربوط نیست. همه سؤالات بدون ابهام و روشن هستند. درباره امام جمعه‌ها هم اگر اطلاعاتی بخواهید باید به مرکز ائمه جمعه مراجعه کنید. درباره مبلغین می‌توانید از دفتر تبلیغات، اطلاعات بدست آورید. الآن طرح هجرت را این دفتر عمل می‌کند. همین تابستان حدود دو سه هزار نفر اهل علم را دو ماهه سه ماهه با یک بودجه معینی به نقاط مختلف فرستادند.

خلاصه این دفتر می‌تواند جواب بدهد. اگر در بعد تبلیغ ما دفتر تبلیغات را نادیده بگیریم، آنچه تاکنون رسم بوده این بود که از بیوت آقایان می‌رفتند برای تبلیغ و از شورا خیلی کم می‌رفتند. البته حالا ما کم‌کم می‌خواهیم بدانیم که مثلاً اول محرم چه کسی رفت چه کسی نرفت. به هر حال هر چه را که بتوانند انشاءالله جواب می‌دهند.

سؤال شد که: چه تعداد از طلاب مثلاً سطح را تمام کرده و رفته‌اند امام جمعه شده‌اند، این گونه خروجی‌ها تعدادشان برای ما ملاک است؟

پاسخ استاد: اینها گویاست. چون اینجا طلبه‌ها از اول که وارد می‌شوند، از نظر پایه‌بندی مثلاً ده پایه وجود دارد. پایه اول، دوم، سوم، ... مدارس ما خوب گویاست. البته افراد متفرقه هم در حوزه تحصیل می‌کنند که آمار آنها نیز باز قدری مشکل است. به خصوص در همین دو سه سال اول، کسانی که با شرایط ما هماهنگ نباشد خیلی از ایشان در عین اینکه ما آنان را نپذیرفتیم به اینجا آمدند و خودشان درس می‌خوانند منتها از مزایا استفاده نمی‌کنند. پس به این ترتیب آماری را که ما ارائه می‌دهیم کسانی را شامل می‌شود که زیر پوشش خود ما قرار دارند. به پایه چهارم تا دهم که می‌رسد دفتر شهریه خیلی خوب گویاست. یعنی تعدادشان گویاست. به درس خارج که می‌رسیم مشکل داریم. درس خارج سالهای اولش حساب و کتابی دارد ولی بعد تقریباً بی‌نیاز می‌شوند از ما یعنی تقریباً مسأله نظام و وظیفه آنان که منتفی می‌شود، اگر مشکلی هم برای رفتن

به جایی نداشته باشند، نیازی به ما پیدا نمی کنند. چون نیازی ندارند، تقریباً یک قطع رابطه ای بین ما و ایشان حاصل می شود. کسی که در این شورا ۱۳ سال است که مشغول کار بوده، یک بار هم نیاز پیدا نکرده که به اینجا بیاید. شهریه اش را می گرفت در سنش را هم می خواند، لذا هیچ نیاز احساس نمی کرد.

اما چیزی که شما می فرمایید، مثلاً پایه های درسی، چقدر به درس خارج رسیده اند. وقتی بخواهیم از فارغ التحصیل یعنی فارغ التحصیل اصطلاحی سخن بگوییم، می توانیم بگوییم که طلاب اگر دو سال درس خارج بخوانند فارغ التحصیل می شوند و... و عده ما و شما ان شاء الله اول آذر ماه. ممکن است زودتر هم تهیه شود. تمام بگیرید.

الف: جذب طلاب

س ۱- روشهای جذب طلاب چگونه است (امتحان سراسری، مصاحبه، گزینش اخلاقی)؟

ج ۱- جذب و گزینش طلاب مبتدی همه ساله طی اطلاعیه ای که حاوی شرایط پذیرش، مدارک، زمان، مکان ثبت نام و زمان و مکان برگزاری امتحان و مواد امتحان است، از طریق روزنامه های کثیرالانتشار در اردیبهشت و تیرماه انجام می گیرد. و پس از ثبت نام و شرکت در آزمون ورودی نسبت به گزینش قبول شدگان با اخذ مدارک لازم اقدام و جهت اشتغال به تحصیل و شرکت در کلاسهای درس پایه اول و اسکان در مدارس طی نامه ای به امور مدارس معرفی می شوند.

طلاب غیر مبتدی (متفرقه) با ارائه نمرات قبولی لمعتین و اصول همپایه که به تأیید معاونت امور شهرستانها رسیده باشد پذیرش می شوند.

س ۲- چه دروسی امتحان گرفته می شود و چه پایه ای برای ورود در نظر گرفته شده است؟

ج ۲- حداقل مدرک تحصیلی داوطلبان مبتدی سوم راهنمایی می باشد با حداکثر سن ۱۸ سال (خدمت سربازی و سالهای تحصیلی بالاتر به حداکثر سن اضافه می شود) و از درس، دینی، ریاضی، فارسی، تاریخ، معلومات عمومی در حد سوم راهنمایی امتحان گرفته می شود.

س ۳- تعداد قبولی سال گذشته و سال جاری چه میزان بوده و اساساً آیا نسبت و رابطه ای بین ورودی و خروجی موجود می باشد یا خیر؟ به عبارتی میزان و معیار کمیت در پذیرش چیست؟

ج: میزان پذیرش همه ساله حد نصاب نمره ای است که توسط شورای عالی پس از تصحیح اوراق امتحانی و تعیین معدل و رتبه به مقدار ظرفیت مدارس تحت پوشش اعلام می گردد و سال گذشته ۶۷۶ نفر گزینش شده اند و در سال جاری ۸۰۵ نفر.

س ۴- توزیع طلاب در مدارس بر چه اساسی است؟

ج ۴- با توجه به ظرفیت مدارس تحت برنامه طلاب پذیرش شده توزیع می شوند.

س ۵- خواهران طلبه به چه صورت جذب حوزه های علمیه می شوند؟

ج ۵- مرکز مدیریت حوزه علمیه تاکنون در مورد پذیرش خواهران طلبه اقدامی ننموده است و قرار است در آینده نسبت به مدارس خواهران شهرستانها اقدام شود و فعلاً مؤسسه جامعه الزهرا در مورد پذیرش خواهران فقط در قم اقدام می نماید.

س ۶- تعداد برادران و خواهران طلبه که به طور رسمی مشغول تحصیل می باشند به چه میزان می باشد؟

ج ۶- طلاب حوزه علمیه قم در حدود سی هزار نفر می باشند.

ب: فضاهای آموزشی و وسایل کمک آموزشی

- س ۱- فضاهای آموزشی (کلاسهای درس) چه تعداد یا چه مترازی می باشد؟
- ج ۱- بیش از ۱۵ مدرسه تحت برنامه زیر نظر مدیریت اداره می شود و کلاسهای مدارس مختلف است و متراز حد متوسط کلاسها ۶×۴ و ۱۲×۱۰ می باشد.
- س ۲- آیا در این فضاها از تخته سیاه، وسایل سمعی و بصری کامپیوتری و غیره استفاده می شود یا خیر؟ (عددورقم)
- ج ۲- از تخته سیاه (وایت برد) استفاده می شود.
- س ۳- آیا در مدارس از میز و نیمکت هم استفاده می شود؟ (تعداد)
- ج ۳- فقط دو مدرسه از میز و نیمکت استفاده می کنند و الباقی دروس به صورت جلسه ای برگزار می شوند.
- س ۴- چند کتابخانه با چند جلد کتاب در اختیار طلاب می باشد (به تفکیک کتابخانه ای عمومی و تخصصی)
- ج ۴- از کتابخانه های داخل مدارس طلاب استفاده می کنند.
- س ۵- چند درصد از مدارس دارای کتابخانه می باشد؟
- ج ۵- اکثریت قریب به اتفاق مدارس کتابخانه دارند.
- س ۶- تعداد طلاب عضو کتابخانه چه میزان می باشد؟
- ج ۶- کتابخانه ها عمومی است و طلاب هم برای استفاده آزاد هستند و در نتیجه کلیه طلاب هر مدرسه از کتابخانه استفاده می نمایند.
- ج: روشهای آموزشی و روش تدریس
- س ۱- آیا آموزش بر اساس روش (معلم محور)، (دانش آموز محور) یا مختلط می باشد یا خیر؟
- ج ۱- به صورت کلاس و مختلط، همان روش بحث و بررسی و تدریس است و محوریت با هیچ کدام نیست.
- س ۲- آیا اساتید بر اساس طرح درس مشخصی تدریس می کنند؟
- ج ۲- بر اساس مواد مصوب شورای عالی تدریس می نمایند.
- س ۳- چند درصد از اساتید برای تدریس آموزش دیده اند؟
- ج ۳- چون اساتید سابقه زیادی در تدریس دارند نیاز به آموزش ندارند.
- س ۴- آیا مشکلی در زمینه کلاسداری در مدارس مشاهده می شود؟ و اساساً در این زمینه اساتید آموزش می بینند؟
- ج ۴- چون اساتید در امر تدریس تجربه دارند لذا در کلاسداری مشکل فراوانی نیست.
- س ۵- آیا کنترلی وجود دارد که روش مباحثه که بسیار پسندیده است بین طلاب حفظ شود.
- ج ۵- طلاب به امر مباحثه علاقمند هستند.
- س ۶- با توجه به اینکه تدریس طلاب سطوح بالا به پایین از شیوه های مناسب رشد آموزشی می باشد آیا برای این کار برنامه ریزی شده که به شکل کلاسیک و عمومی صورت گیرد؟
- ج ۶- از شیوه های متداول حوزه تدریس در سطوح مختلف است و این امر ادامه دارد.
- س ۷- عوامل رشد و افت تحصیلی در حوزه چه می باشد؟
- ج ۷- عوامل رشد تحصیلی تشویق مدیران از طلاب و اعطا جایزه از طرف مدیریت حوزه به نقرات

- اول و دوم و سوم است و عوامل افت تحصیلی علاقه بعضی از آقایان طلاب به شرکت در دانشگاه است.
- س ۸- میزان رشد و افت تحصیلی به تفکیک در پایه‌ها و دروس چقدر می‌باشد؟
- ج ۸- امسال بیش از ۵۰ درصد بود که با ارفاق در عدم معدل‌گیری به حدود ۳۰ درصد رسید.
- س ۹- منابع دروس عمومی و اختصاصی چیست؟
- ج ۹- کتب مورد تصویب شورای عالی.
- س ۱۰- چه متوفی در زمینه ادیان جهان به طلاب آموزش داده می‌شود؟
- ج ۱۰- در رشته‌های کلام و تربیت مبلغ متون مختلفی از ادیان تدریس می‌شود.
- س ۱۱- رشته‌ها یا تخصصهایی که به شکل کلاسیک تحت پوشش برنامه‌های شورا آموزش داده می‌شود چیست؟
- ج ۱۱- رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن و رشته کلام و فلسفه و رشته تربیت مبلغ.
- س ۱۲- چه تعداد طلبه در این رشته‌ها یا تخصصها استفاده می‌شود؟
- ج ۱۲- در رشته‌های فوق قریب ۶۰۰ نفر که قریب ۱۵۰ نفر فارغ التحصیل شده‌اند.
- س ۱۳- از چه متونی برای فراگیری این تخصصها استفاده می‌شود؟
- ج ۱۳- متون مختلفی از تفسیر و فلسفه و کلام و روانشناسی و جامعه‌شناسی.
- س ۱۴- آیا در مدارس مدت زمان خاصی در طول روز جهت آموزش در نظر گرفته شده است؟ در این مورد برای طلاب آزاد و رسمی چه تدابیری اتخاذ شده؟
- ج ۱۴- حداقل چهار ساعت در روز برای تدریس و ۲ ساعت مباحثه در نظر گرفته شده است اما طلاب آزاد در دروسی که در حوزه به طور آزاد تدریس می‌شود شرکت و فرد را برای امتحان در پایه‌های مختلف آماده می‌نماید.
- س ۱۵- آیا روشی برای کنترل وضعیت درسی طلاب در کلاسهای درس اعمال می‌شود یا خیر؟
- ج ۱۵- حضور و غیاب می‌شود و امتحان حداقل در هر دو هفته یک بار برگزار می‌شود.
- س ۱۶- نسبت به مورد قبل در رابطه با طلاب آزاد چه تدابیری در نظر گرفته شده؟
- ج ۱۶- در امور درسی طلاب آزاد دخالت نمی‌شود.
- س ۱۷- آیا کتب دروس عمومی تحت نظر شورای خاصی تدوین می‌شود؟
- ج ۱۷- برای این منظور جمعی از فضلا برای تهیه متون در نظر گرفته شده است.
- س ۱۸- چه معیاری برای انتخاب دروس عمومی در نظر گرفته شده؟
- ج ۱۸- شورای عالی کتابهای مختلف و متعددی را انتخاب نموده است.
- س ۱۹- آیا در نظر می‌باشد که کتب دروس تخصصی به شیوه کلاسیک تدوین شود؟
- ج ۱۹- کتب دروس تخصصی قرار است مجدداً بازنگری گردید.
- س ۲۰- آیا کنترلی برای تدریس تمامی متن در نظر گرفته شده برای تدریس وجود دارد یا خیر؟
- ج ۲۰- چون طلاب در خردادماه بایستی متون در نظر گرفته شده را امتحان دهند لذا مدیران مدارس در این مورد تأکید می‌نمایند.
- س ۲۱- در حوزه چه زبانهای خارجی تدریس می‌شود؟ (عدد و رقم)
- ج ۲۱- مکالمه عربی جز برنامه دروس است و طلاب زیادی به طور آزاد در کلاسهای درس انگلیسی

- شرکت می نمایند.
- س ۲۲- در زمینه های مختلف همچون ادیان و مذاهب، فلسفه و عرفان و غیره چند متخصص تربیت شدند (در سطح بالا)؟
- ج ۲۲- در رشته فلسفه و کلام ۵۰ نفر، تفسیر ۵۰ نفر فارغ التحصیل شده و قرار است رشته ادیان و مذاهب هم برقرار شود.
- س ۲۳- آیا دوره های آموزشی (آموزش ضمن خدمت - تدریس) برای اساتید وجود دارد یا خیر؟ چند دوره تاکنون اجرا شده است؟
- ج ۲۳- اساتیدی که برای تدریس انتخاب می شود از آنان امتحان لازم گرفته می شود.
- س ۲۴- آیا کنترلی بر تدریس یکسان کتب درسی از طرف اساتید وجود دارد یا خیر؟ کدام واحد چنین امری را عهده دار می باشد؟
- ج ۲۴- کنترل فقط از ناحیه مدیران است از سوی امور مدارس به مدیران اعلام شده که شورای چنین خواسته است.
- س ۲۵- آیا مرجعی برای حل مشکلات علمی طلاب در حوزه وجود دارد یا خیر؟
- ج ۲۵- مشکلات علمی طلاب از طریق اساتید مدارس و در صورت لزوم از طرف اساتید حوزه مرتفع می شود.
- س ۲۶- آیا نشریه ای علمی برای توضیح بیشتر مباحث مشکل کتب درسی موجود می باشد؟
- ج ۲۶- در این مورد در آینده اقدام می شود.
- د: ارزشیابی وضعیت درسی طلاب
- س ۱- آیا در مدارس و همچنین به طور آزاد چه نوبت امتحان در سال گرفته می شود؟
- ج ۱- حداقل در هر ماه ۲ بار در مدارس امتحان گرفته می شود همچنین در مدارس امتحان نیمه نیز گرفته می شود و در پایان سال نیز از سوی مرکز مدیریت امتحان برگزار می گردد. اما از طلاب آزاد فقط خرداد و شهریور امتحان گرفته می شود.
- س ۲- در چه مقاطع و از چه دروسی امتحان گرفته می شود؟
- ج ۲- از سوی مرکز مدیریت از تمام دروس مصوب تدریس شده در مدرسه امتحان به عمل می آید.
- س ۳- امتحان شفاهی در چه مقاطعی و چه دروسی می باشد؟
- ج ۳- در تمام مقاطع و از دروس اصلی.
- س ۴- آیا برای ایجاد رویه یکسان در امتحان شفاهی کاری صورت گرفته است؟
- ج ۴- به اساتید امتحان شفاهی مکرر تذکر داده شده است امتحان شفاهی به طور یکسان انجام گردد.
- س ۵- سالانه به تفکیک پایه های درسی و دروس مختلف به چه میزان از طلاب ارزشیابی انجام می گیرد؟ (آمار سال گذشته یا آمار متوسط سالانه)
- ج ۵- هر مدرسه خودش ارزیابی می کند و امور مدارس نیز بعد از امتحان خردادماه از همه مدارس ارزشیابی می کند مبنی بر ضریب قبولی در مدارس که چه مدرسه ای قبولی بیشتر دارد.
- س ۶- آیا وضعیت رشد و افت تحصیلی توسط واحدی مورد بررسی قرار می گیرد؟ در چه دروسی رشد یا افت بیشتر است؟

ج ۶- پس از امتحانات خرداد و شهریور ماه هر سال دایره امتحانات نتایج را مشخص می‌کند و رشد و افت تحصیلی معلوم می‌گردد. تا حال واحدی تحت این عنوان تشکیل نشده مگر خود امور مدارس که بعضی از کارها را در حد توان انجام داده است.

س ۷- آیا در مدارس نیز مانند طلاب آزاد معیار قبولی، موفقیت در تک تک دروس می‌باشد یا معدل آن ملاک می‌باشد؟

ج ۷- در مدارس معدل دو نمره نیمه و خرداد ملاک قبولی می‌باشد در تک تک دروس. و در شهریور بدون معدل گیری. لکن اگر در یک ماده در سی نمره قبولی نیابرد معدل کل دروس با هم حساب می‌شود اگر به حد قبولی باشد قبول محسوب است.

س ۸- آیا مدرک تحصیلی به طلاب داده می‌شود؟ بر چه اساسی مدرک ایشان ارزشیابی می‌شود؟

ج ۸- تاکنون فقط تأییدیه در موارد درخواست داده شده و اعطای مدرک منحصرأباً امور مدارج است که با شرایط خاصی به طلاب مشغول به کار مدرک می‌دهد.

س ۹- ارتباط طلاب بعد از پایان تحصیلات با حوزه چگونه است؟ و اساساً برای این کار چه تدابیری اندیشیده شده است؟

ج ۹- طلاب حوزه علمیه پایان تحصیلات ندارند و به طور مرتب به تحصیلات ادامه می‌دهند و بعضی از طلاب ممکن است برای امامت جمعه یا جماعت و یا تبلیغ و یا خدمت در ارگانها و نهادهای جمهوری اسلامی به خارج قم هجرت نمایند.

۵: فعالیتهای پژوهشی - تبلیغی

۱- چند مرکز تحقیقاتی در حوزه موجود است؟ نام آنها چیست؟

در حدود یک صد مرکز تحقیقاتی در حوزه است.

۲- این مراکز دارای چند عضو هستند؟

از سه عضو تا ۱۰۰ عضو.

۳- در این مراکز بر روی چه موضوعاتی کار شده و چه موضوعاتی در دست تحقیق می‌باشد؟
موضوعات مختلف مذهبی.

۴- چند درصد از طلاب جذب دانشگاه شده‌اند؟

قریب هزار نفر.

۵- ارتباط حوزه و دانشگاه از لحاظ فعالیتهای پژوهشی در چه صورتی است؟ (عدد و رقم)
مرکز حوزه و دانشگاه در قم دارای روابط خاصی است.

۶- چه تعداد از اساتید حوزه در دانشگاه تدریس می‌کنند و بالعکس؟

بیش از پانصد نفر استاد حوزوی در دانشگاهها تدریس می‌نمایند و قریب پنجاه نفر اساتید دانشگاه در مراکز حوزوی تدریس می‌نمایند.

۷- شیوه گزینش اساتید برای تدریس در دانشگاه به چه صورت است؟

طبق مقررات دانشگاهها.

۸- آیا نتیجه تحقیقات به طلاب یا عموم منعکس می‌شود یا خیر؟

به صورت کتاب و جزوه منعکس می‌گردد.

۹- تعداد اساتید حوزه به طور رسمی به تفکیک رشته‌ها به چه میزان می‌باشد؟
تعداد زیادی از اساتید ادبیات عرب و تعداد فراوانی منطق و عده‌ای فقه و اصول و تفسیر و فلسفه
تدریس می‌نمایند.

۱۰- آیا آموزش خاصی برای تبلیغات وجود دارد یا خیر؟ چند نفر سالانه آموزش می‌بینند؟ و چند
نفر تاکنون مبلغ آموزش دیده‌اند؟ (از بدو انقلاب تاکنون)
رشته تربیت مبلغ و سازمان تبلیغات و دفتر ولی فقیه در سپاه و سازمان اوقاف و دفتر تبلیغات در این
مورد اقدام نمایند.